

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: توماج

۱۰/۱۲/۱۷

میلیتاریسم و جنگ

در هفته‌های اخیر و در جریان تصویب برنامه پنج‌ساله پنجم در مجلس حکومتی، بحث‌هایی در مورد تقویت نیروهای نظامی و شبه‌نظامی سر گرفت. در جریان این بحث‌ها اسماعیل کوثری از نمایندگان کنونی مجلس که پیش‌تر از فرماندهان سپاه پاسداران بود در دفاع از پیشنهاد کمیسیون امنیت ملی خواستار افزایش بودجه نیروهای نظامی به ۴/۵ درصد تولید ناخالص داخلی شد که نیمی از این مبلغ به تأمین تجهیزات مورد نیاز نیروهای نظامی اختصاص یابد وی در این رابطه هم چنین به تأکید خامنه‌ای بر تأمین نیازهای نیروهای نظامی در سفر قم به رئیس مجلس از طریق فیروزآبادی اشاره نمود (هر چند که لاریجانی این موضوع را تکذیب کرد ولی این سخنان بیهوده گفته نمی‌شوند). او در بحث خود به خطراتی که موجودیت حکومت اسلامی را تهدید می‌کند اشاره کرده و خواستار علاج واقعه قبل از وقوع شد وی گفت:

"اگر ما الان برای امور دفاعی بودجه در نظر نگیریم فردا دیر است". البته ضرورت تقویت نیروهای نظامی در شرایط کنونی را خامنه‌ای نیز در دیدار با فرماندهان نیروی دریایی به تاریخ هفتم آذرماه مورد تأکید قرار دارد. وی گفت: "با توجه به مسایل کنونی جهان و وضعیت جغرافیای سیاسی امروز دنیا، باید هر چه می‌توانیم خود را در دریا و ساحل تقویت کنیم."

اگرچه مجلس به دلیل بار مالی این قضیه و به زبان ساده نبودن پول و امکانات کافی این پیشنهاد را تصویب نکرد اما پیشنهادات دیگری را در همان راستا و با همان هدف تصویب نمود. پیش از بررسی این موضوع در مجلس، جلسه‌ای خصوصی با حضور رئیس کمیسیون امنیت ملی، معاون برنامه‌ریزی احمدی‌نژاد و وزیر دفاع برگزار شد که در این جلسه معاون برنامه‌ریزی دولت حمایت همه جانبه دولت از نیازهای نیروهای نظامی و شبه نظامی را اعلام کرد و بدین ترتیب بود که مجلس از تصویب چنین بودجه‌ای به صورت مشخص و علنی برای نیروهای نظامی صرف‌نظر نمود. اما به جای آن و در ماده ۱۷۷ لایحه فوق دولت مکلف شد تا در لوایح بودجه سالانه نسبت به افزایش دو درصد سالانه سهم اعتبارات دفاعی در طول برنامه اقدام کند. در این ماده هم چنین به دولت اجازه بهره‌گیری از ظرفیت صنایع کشور برای تأمین نیازمندی‌های دفاعی و تأمین نیازهای مالی این پروژه‌ها را داد که

اهمیتی بسیار دارد. هم چنین دولت اجازه یافت تا حداقل ۱۰ درصد از اعتبارات تجهیز و توسعه دفاعی را صرف کسب دانش و فناوری‌های نو و توسعه آن نماید.

از دیگر مصوبات مجلس که منجر به حضور نقدی فرمانده بسیج در جلسه غیرعلنی و تشکر وی از مجلس بابت توجه به بسیج شد، تصویب ماده‌ای برای تخصیص یک درصد از بودجه سالیانه به بسیج بود. براساس گزارش وبسایت "خبرآنلاین" وابسته به جریان علی لاریجانی در جلسه فوق تصویب شد که تعداد بسیجیان فعال تا مرز یک و نیم میلیون نفر افزایش یابد. هم چنین دولت موظف به تأمین پوشش بیمه نیروهای فعال بسیج گردید. در بررسی لایحه فوق هم چنین موادی در تقویت کمی و کیفی پدافند هوایی کشور و نیز مسدود کردن مرزهای کشور تصویب شد.

افزایش بودجه نیروهای نظامی و شبه‌نظامی و نیز دستگاه‌های تحقیق مذهبی در دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد شتابی دوچندان یافت، شتابی که بیش از هر چیز زائیده شرایط بود. بحران سیاسی داخلی و خارجی که خاتمی را بر سر کار آورد، در دوران وی نه تنها حل نگردید که ابعاد گسترده‌تری در داخل کشور در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یافت و از این رو بقای حاکمیت اسلامی تغییر سیاست را ایجاب کرد. اما اتخاذ سیاست جدید که با روی کار آمدن احمدی‌نژاد پرده اصلی آن آغاز گردید در عرصه‌های داخلی و خارجی تنها حاصلش گسترش و به ویژه تعمیق بحران و به میدان آمدن میلیونی توده‌ها شد که اوج آن را در موج انقلابی سال گذشته دیدیم. بحرانی که اوج‌گیری آن حتا جناح‌های رقیب بورژوازی داخل حاکمیت را به رودرروئی خشن و حذفی با یکدیگر کشاند. دلیل آن نیز البته روشن بود، بحران هیچ راه حلی در میان جناح‌های حاکم بورژوازی نداشت. از همین رو بود که تمامی راه‌های حل جناح‌های حاکم با شکست روبرو شد و تغییر چهره و سیاست نیز نتوانست کارگشا گردد. اما گسترش بحران داخلی و خارجی نتایج مهم دیگری نیز در دوره احمدی‌نژاد در بر داشت که البته از لوازم قطعی آن بودند. تمرکز هر چه بیشتر قدرت در دستان احمدی‌نژاد و نیروهای نظامی و گسترش میلیتاریسم ابزار و نتایج ضروری سیاست جدید بودند. موضوع به خوبی روشن است، جمهوری اسلامی که تاکنون با بحران به حیات خود ادامه داده و با بحران زنده است تنها یک راه برای ادامه حیات خود می‌بیند و آن حفظ بحران خارجی، بحران آفرینی و کوبیدن بر طبل توسعه‌طلبی منطقه‌نی و سرکوب اعتراضات داخلی است. جمهوری اسلامی برای این منظور ضمن تقویت نیروهای نظامی، شبه‌نظامی و اطلاعاتی، وارد یک مسابقه تسلیحاتی شد. مسابقه‌ای که در ضمن منافع و درآمد سرشاری نصیب کشورهای امپریالیستی ساخته است. به راستی چه کسی بهتر از جمهوری اسلامی می‌توانست این همه خدمت به امپریالیسم جهانی نماید. نگاهی به مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه این موضوع را روشن‌تر می‌سازد.

مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه

دولت ایران به دلیل محدودیت‌های شدید مالی و نیز سیاسی برای تهیه وسایل نظامی مورد نیازش با مشکلات بسیاری روبرو است. از این رو تلاش دولت همواره بر این بوده است که با برقراری مناسبات حسنه با برخی از کشورها از جمله روسیه، چین و کره شمالی برخی از این نیازها را برآورده سازد. سامانه دفاعی اس ۳۰۰ یکی از این نمونه‌ها بود که به دلیل تحریم‌ها و معاملات روسیه و امریکا با یکدیگر منتفی گردید. در این میان تنها کره شمالی بود که ایران توانست تا حدودی از امکانات آن استفاده کند که با وضع تحریم‌های جدید این کار نیز با مشکل اساسی (حمل سلاح) روبرو شد. برپایه گزارش روزنامه " نیویورک تایمز" و به نقل از اسناد منتشره توسط وبسایت "ویکی لیکس" ایران تعدادی موشک از کره شمالی خریداری کرد که برطبق الگوی روسی ساخته شده‌اند.

به اساس این خبر ایران با استفاده از این سلاح قدرت حمله موشکی به اروپای غربی و روسیه را یافته است. پیش از این گمان می‌رفت که موشک‌های فوق در ایران مونتاژ گردیده‌اند اما به اساس این اسناد ایران این سلاح را از کره شمالی خریداری نموده است.

هم چنین در اردیبهشت [ثور] ماه گذشته و در پی مانور نظامی سپاه در خلیج فارس، وزیر دفاع جمهوری اسلامی از ساخت سامانه دفاعی جدید در ایران سخن گفت که می‌تواند جانشین مناسبی برای سامانه دفاعی اس ۳۰۰ باشد. البته یک احتمال در این رابطه خرید و مونتاژ مشابه چینی آن از کشوری مانند کره شمالی است و گرنه ایران فاقد تکنولوژی مزبور می‌باشد.

اما تکنولوژی تسلیحاتی کره شمالی و نظایر آن هرگز نمی‌توانند با تکنولوژی تسلیحاتی کشورهای هم‌چون امریکا مقابله کنند و باید گفت که حتا غیرقابل مقایسه هستند. از سوی دیگر مشکلات سیاسی از جمله تحریم‌ها و مشکلات مالی، ایران را مجبور ساخته تا بیش از گذشته تلاش کند تا سلاح‌های مورد نیازش را با تولید آن در داخل تأمین کند. از همین رو ماده ۱۷۷ لایحه برنامه پنجم مصوبه مجلس چیزی نیست جز راهی که از سال‌ها پیش جمهوری اسلامی در آن گام برداشته و حالا دولت می‌خواهد آن را تا حد نیاز و حتا فراتر بسط و گسترش دهد.

اما تلاش‌های دولت ایران به این محدود نیست که تولید سلاح‌های نظامی را گسترش دهد. حکومت اسلامی هم‌چنین با ارسال سلاح‌های سبک و نیمه سبک به جریاناتی که با پول و سلاح دولت ایران تغذیه می‌شوند، تلاش دارد تا قدرت و نفوذ خود را در منطقه گسترش داده و از آن به عنوان سلاحی برای ترساندن کشورهای غربی و بالا بردن قدرت چانه‌زنی استفاده کند. ارسال سلاح برای گروه‌های شبه نظامی شیعه عراق، همکاری با طالبان و حکمتیار در افغانستان، ارسال سلاح به لبنان و فلسطین و برخی دیگر از کشورهای اسلامی و افریقائی از جمله اقدامات رژیم بوده و هست. اقداماتی که بر دشمنی کشورهای عرب منطقه با ایران افزوده و منطقه را بیش از پیش وارد یک مسابقه تسلیحاتی نمود.

تنها در یک نمونه از این مسابقه تسلیحاتی عربستان سعودی قراردادی به مبلغ ۶۰ میلیارد دلار جهت خرید هواپیماهای جنگنده و هلی‌کوپترهای سیکورسکی و آپاچی با امریکا منعقد ساخته است. به اساس اعلام مؤسسه بین‌المللی "استکهلم" در سال ۲۰۰۹ میزان سرمایه‌گذاری نظامی کشورهای منطقه خاورمیانه با ۴۰ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۰۰ به مبلغ ۱۰۳ میلیارد دلار رسید. این افزایش در حالیست که برخی از کشورهای جهان از جمله المان، فرانسه، بریتانیا، ارژانتین و افریقای جنوبی در دوره مورد بحث بودجه‌های نظامی خود را کاهش داده‌اند. بودجه نظامی افریقای جنوبی در طول این سال‌ها از ۴ میلیارد و ۹۴۰ میلیون دلار به ۳ میلیارد و ۹۲۰ میلیون دلار و هزینه‌های نظامی المان از ۶۹ میلیارد به ۴۸ میلیارد دلار کاهش یافته است. هم چنین پیش‌بینی شده است که میزان سرمایه‌گذاری کشورهای جهان در امور نظامی در سال ۲۰۱۰ به ۱۵۱۳ میلیارد دلار خواهد رسید. در طول سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۶ کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار به خرید تجهیزات نظامی اختصاص داده‌اند و از این رو رتبه اول افزایش بودجه نظامی را در جهان کسب نموده‌اند. هم چنین این کشورها در سال ۲۰۰۸ جزو ۱۵ کشور اول جهان قرار داشته‌اند که بیشترین درآمد سرانه را صرف تجهیز نیروی نظامی خود کرده‌اند. پس از امریکا و اسرائیل که رتبه‌های اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند، کشورهای عمان، کویت و عربستان در رتبه‌های سوم تا پنجم قرار دارند. در ۵ سال اخیر بیشترین سلاح‌های نظامی توسط رهبران کشورهای منطقه خاورمیانه خریداری شده است. هم چنین کشورهای عرب حوزه خلیج فارس اعتبارات نظامی گسترده‌ای به منظور گسترش نیروی دریائی و هوائی خود اختصاص داده‌اند. تنها دو کشور

کوچک کویت و امارات بیش از ۱۰ میلیارد دلار صرف خرید جنگنده رافائل از کشور فرانسه نموده اند. با نگاهی به ارقام بالا و نیز قدرت نظامی امریکا به ویژه در هوا و دریا می‌بینیم که نیروهای نظامی ایران از این نظر تا چه حد در مضیقه قرار دارند، کافیست در نظر بگیریم که بودجه سالانه نظامی امریکا با بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار، برابر با ۴۸ درصد بودجه نظامی جهان، ۱۰۰ برابر بودجه نظامی ایران که معادل نیم درصد بودجه نظامی جهان است، می‌باشد. از همین روست که نیروی زمینی (که در شرایط جنگی بسیج نیز جزئی از آن محسوب می‌گردد) تنها نقطه اتکاء ایران باقی می‌ماند و تمام تلاش‌هایی که رژیم در عرصه تقویت توان دریائی و هوائی نیروهای نظامی خود دارد در واقع آب در هاون کوبیدن است و جنبه تبلیغاتی آن برای رژیم از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد.

یک جمع‌بندی

اگر چه خواست اصلی جمهوری اسلامی حفظ شرایط نه جنگ و نه صلح است و این را بهترین راه حل برای خود می‌داند و با خریدن زمان اصطلاح "از این ستون به آن ستون فرج است" را به نمایش می‌گذارد، اما در جهان واقعی همواره اوضاع آن گونه که جمهوری اسلامی می‌خواهد پیش نخواهد رفت. رشد نظامی‌گری در منطقه خاورمیانه را به نقطه انفجار نزدیک می‌کند. همان‌گونه که در اسناد منتشره از "ویکی لیکس" نیز آمده، حتماً کشورهای عربی منطقه برخورد امریکا به ایران را سازشکارانه دانسته و معتقد به اعمال فشار و استفاده از نیروی نظامی علیه آن هستند. واقعیت این است که تضاد بین کشورهای سرمایه‌داری منطقه، یعنی از یک سو ایران و از سوی دیگر اکثریت کشورهای عربی منطقه و نیز تضاد بین ایران و کشورهای قدرتمند امپریالیستی غرب بیش از هر زمان دیگر به مرحله انفجار نزدیک شده است و این جدا از این موضوع است که دو طرف مهم دعوا یعنی ایران و امریکا تا چه حد خواستار آغاز جنگ نباشند. تاریخ معاصر، تاریخ جنگ‌های جهانی و منطقه‌ئی نشان داده است که گسترش مسابقه تسلیحاتی و درگیری‌های سیاسی مرحله آغازین جنگ است و جنگ چیزی نیست جز ادامه همان سیاست‌ها تنها با ابزاری دیگر. جنگ سرمایه‌داران دو و یا چند کشور بیانگر تشدید تضادهائی است که دیگر به شکل سابق قابل حل نبوده و بورژوازی هر کدام از کشورهای درگیر جنگ، برای پیشبرد خواست و منافع خود کمر به نابودی طرف مقابل با استفاده از نیروی قهر می‌بندد. افزایش مسابقه تسلیحاتی بیانگر چیزی نیست جز هر چه آماده‌تر شدن کشورهای برای لحظه‌ای که منافع متضاد آنها جنگ را اجتناب ناپذیر می‌نماید. رژیم اسلامی به خوبی می‌داند که هر قدم کوتاه آمدن در برابر خواست کشورهای غربی تنها با قدم‌ها و عقب‌نشینی‌های بعدی است که معنا پیدا می‌کند و از همین رو هر گونه راه برای عقب‌نشینی را بر خود مسدود شده می‌بیند، از سوی دیگر سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌ی حاکمیت اسلامی برای کشورهای عربی و غرب غیرقابل تحمل شده است و این است که آسمان خاورمیانه را به شدت تیره و آماده‌ی جنگ ساخته است.

هشدار خامنه‌ای در مورد تقویت نیروهای نظامی و سخنان کوثری در مجلس، بیان واضح این موضوع که "فردا دیر است" بیانگر چیزی نیست جز آگاهی سران جمهوری اسلامی از شدت بحرانی که لحظه به لحظه به جنگ نزدیک‌تر می‌شود، جنگی که برای کارگران و زحمتکشان سرنوشتی نامعلوم دارد. اما در این میان یک چیز مشخص است. منافع کارگران و زحمتکشان در عدم شرکت در جنگی ارتجاعی است. کارگران و زحمتکشان تنها با تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ طبقاتی و سرنگونی حاکمیت اسلامی و با برقراری حکومت شورائی می‌توانند ضمن

پایان دادن به سیاست‌های توسعه طلبانه و جنگ‌طلبانه، صلح را برای تمامی ستمکشان ایران از جمله خلق‌های تحت ستم منطقه خاورمیانه نیز به ارمغان آورند .